

سکوت منابع بیزانسی درباره فتوح مسلمانان در ایران



رامین عبادتی بازکبابی

کارشناسی ارشد زبان شناسی،
ادبیات و تاریخ کلاسیک (یونان
و روم باستان) از دانشگاه سیپنا،
ایتالیا

باسقوط شاهنشاهی ساسانی به سبب تهاجم عرب‌های مسلمان به ایران در اواسط قرن هفتم میلادی، دنیای ایران باستان به پایان رسید و قلمرو ایران ساسانی، ضمیمه امپراتوری اسلامی شد. شاهنشاهی ساسانی در واقع قربانی اصلی فتوح اسلامی به شمار می‌آید. این شاهنشاهی که تا چندین دهه پیش از فتوح، مشغول نبرد با دشمن دیرین خود، بیزانس بود، توان مقابله با مهاجمان مسلمان را در خود ندید و به سرعت سقوط کرد. روایت این سقوط بخش قابل توجهی از منابع اسلامی سده‌های بعدی را به خود اختصاص داده است. امپراتوری بیزانس نیز از حملات جنگجویان عرب در امان نماند و بخش بزرگی از ایالات شرقی خود را در شرق مدیترانه از دست داد. برخلاف متون تاریخ نگاری سده‌های نخستین اسلامی، مورخان بیزانسی تمایل چندانی به روایت فتوح عرب‌ها در ایران نشان ندادند. موضوع یادداشت حاضر بررسی اجمالی سکوت متون تاریخ نگاری بیزانسی (یونانی) درباره سقوط شاهنشاهی ساسانی و فتح ایران به دست عرب‌هاست.

نبردهای خسرو پرویز و امپراتوری بیزانس در اوایل قرن هفتم میلادی (۶۰۲-۶۲۸ م.) بخش بزرگی از نوشته‌های مورخان بیزانسی را به خود اختصاص داده است. این نبردهای خونین خسارات جبران ناپذیری را بر پیکره عظیم این دو امپراتوری متأخر باستان وارد آورد. در این میانه از مخاطبانی که بیرون از معرکه به تماشای این درگیری‌ها نشسته بودند؛ می‌توان به قبایل عرب ساکن در شبه جزیره عربستان اشاره کرد. اگرچه عرب‌ها در جریان نبرد میان شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری بیزانس نقش مستقیمی نداشتند؛ به واسطه پیوندهای تجاری و حتی اعتقادی که با این قدرت‌ها داشتند به جانبداری از یکی از آن دو پرداخته و در میان خود دسته‌بندی‌هایی کرده بودند. نامیده شدن یکی از سوره‌های قرآن به نام «الروم» و بشارت «الله» به پیامبرش، حضرت محمد (ص)، در آیه‌های نخستین این سوره به پیروزی مؤمنان، یعنی بیزانسی‌های مسیحی، بردشمنانشان خود نشانه‌ای از اهمیت و تأثیر این واقعه بر ساکنان شبه جزیره است.

با پایان یافتن این نبردها در سال ۶۲۸ میلادی، شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری بیزانس غرق در بحران‌های برخاسته از این درگیری‌ها شدند

دوره‌ای از فترت در دستگاه نظامی و سیاسی راسپری کردند.^۴ لازم به یادآوری است هیچ تغییر استراتژیک جغرافیایی در قلمرو طرفین رخ نداد و همه فتوح خسرو پرویز در آسیای صغیر، سوریه و مصر به بیزانسی‌ها بازگردانده شد. در ایران ساسانی با قتل خسرو پرویز، بحران عمیق جانشینی آغاز شد و تا سال ۶۳۲ میلادی و جلوس یزدگرد سوم بر تخت سلطنت ادامه یافت.^۵ با این حال، بیزانسی‌ها، در سوی دیگر، سرمست از پیروزی بر خسرو دوم و بازپس‌گیری صلیب مقدس در پی صلح با شیرویه، جانشین خسرو دوم (۶۲۸-۶۲۹ م.)، امید به بازگشت به روزهای باشکوه بیزانس با امپراتور هرակلیوس^۶ (۶۱۰-۶۴۱ م.) را در سر می‌پروراندند. در همین سال‌های آغازین پس از نبرد، عرب‌های مسلمان، دست‌اندازی به عراق در داخل قلمرو ساسانی و سوریه در بیزانس را آغاز کردند و در نبردهای پرموک (۶۳۶ م.) و قادسیه (۶۳۷ م.) به دو پیروزی بزرگ دست یافتند.^۷

فتوح اسلامی و منابع تاریخی

متون تاریخی متعددی از قبیل فتوح البلدان بلاذری، مروج الذهب مسعودی، اخبار الطوال دینوری و تاریخ طبری تاریخ فتوح مسلمانان در ایران را نگارش کرده‌اند. در واقع، این تواریخ بخش عمده منابع اصلی پژوهشگران این دوره را فراهم می‌کنند. از آنجایی که فتوح مسلمانان، شامل سرزمین‌های بیزانس در مصر و سوریه و فلسطین نیز بوده؛ بخش دیگری از این منابع به گزارش پیروزی‌های مسلمانان بر سرزمین‌های تحت انقیاد بیزانس اختصاص یافته است. در طرف دیگر این فتوح، مورخان بیزانس نیز شکست‌های خود در نبرد پرموک و از دست دادن ایالت‌های شرقی امپراتوری را روایت کرده‌اند؛ با این حال، سکوت معناداری در متون تاریخی بیزانسی درباره فتوح مسلمانان در ایران دیده می‌شود.

در تاریخ امپراتوری بیزانس از قرن هفتم تا نهم میلادی به دوران تاریک^۸ یاد می‌شود.^۹ در این دو قرن، بیزانس وارد دوره‌ای از بحران‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شد، به گونه‌ای که تاریخ نگاری